

پیش‌درآمدی بر گونه‌شناسی فضاهای همگانی شهری

نمونه موردی: بافت فرسوده محله ازگل

دکتر مهرداد کبیری، دکترانوش رجب‌آبادی، روجا ایلچی پور، مسعود کخادمی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۷/۹

چکیده:

یکی از بحث‌های مهم کنونی حوزه طراحی شهری موضوع گونه‌شناسی فضاهای عمومی در شهر است. فضاهای عمومی در طراحی و برنامه‌ریزی شهری تحت عناوینی همچون «عرضه عمومی»، «فضای شهری»، «مکان عمومی» و... مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. عرضه عمومی به نوعی یک فلزرو همگانی است که عموم مردم یک شهر حق حضور در آن را دارند. علیرغم این تعریف ساده در تبیین گونه‌شناسی عرضه‌های همگانی رویکرد واحدی وجود ندارد. تنوع رویکرد، بسیاری از کارشناسان را در ستیجش وضعیت محیطی مکان‌های یاد شده سردرگم می‌کند. این گفتار در صدد یادآوری این مطلب است که می‌توان با وجود تفاوت دیدگاه‌ها به شیوه سنجش و تحلیل یکپارچه‌ای دست یافت. لذا در این مقاله سعی می‌گردد تا با بررسی دیدگاه‌ها، تفکرات و نظریات صاحب‌نظران در حوزه شهرسازی به روش توصیفی - تحلیلی به تنوع برداشت‌ها از مفهوم عرضه عمومی، فلزرو عمومی، خصوصاً، و فضاهای عمومی شهری اشاره گردد. در این راستا به بررسی و تحلیل محتوای و کارکرد فضاهای شهری و در نهایت، به نوعی گونه‌شناسی فضاهای عمومی شهری پرداخته می‌شود. این برداشت از شیوه‌های گونه‌شناسی در مطالعات موردی محله ازگل تهران به‌نمونه می‌گردد.

واژگان کلیدی:

عرضه‌های همگانی، فضاهای عمومی شهری، گونه‌شناسی فضا، محله ازگل

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Behzadfar@arch.iut.ac.ir

Roja_albpour@arch.iut.ac.ir

Masoud_khademi@modares.ac.ir

۱- دانشیار گروه شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد طرح شهری دانشگاه علم و صنعت ایران

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

"براساس فرهنگ انگلیسی آکسفورد، واژه Public به معنای وابستگی به کل جمع است و در مقابل خصوصی بودن به کار می آید. تعریف متملق به مردم به عنوان یک کلیت، نیز برای آن ذکر شده است. در جدیدترین ویرایش فرهنگ آکسفورد تعریفی مشابه مطرح شده است:

متعلق یا متوجه مردم به مثابه یک کلیت در دسترس یا اشتراکی برای همه مردم و ارائه شده توسط دولت محلی یا مرکزی. به اتکای این تعریف برای مثال خیابانی عمومی، متعلق و مرتبط با تمام مردم به عنوان یک کلیت است، به روی شان باز است، موجودیتی محدود نشده دارد، از طرف دولت ارائه می شود و به آن مرتبط است. این مفاهیم در تعاریف مختلف فضای عمومی بازتاب یافته اند (مدنی پور، ۲۱۲: ۱۳۸۷).

"تقریباً تمام تعاریف طراحی شهری حاکی از این است که طراحی شهری یا عرصه عمومی (یا قلمرو عمومی و یا فضای عمومی) و عناصر تشکیل دهنده آن سر و کار دارد. طراحی شهری از پرده‌هایی حداقل با چند ساختمان تشکیل می شود که از نظر اندازه متفاوت بوده و از مجموعه‌های ساختمانی شروع شده و بخش‌هایی از شهر و در نهایت کل شهر ختم می شود. گاهی طراحی شهری، طراحی خود ساختمان‌ها را نیز در بر می گیرد، اما اغلب تنها تا آن حد وارد معماری بناها می شود که کاربری‌ها و نمای ساختمان‌ها، به ویژه در طبقه همکف، عرصه عمومی را تعریف می کنند" (Lang, 2005: 22).

"سازمان‌ها و ساختارهای عمومی از اجزای عمومی و خصوصی تشکیل می شوند. تمایز بین این‌ها همیشه روشن نیست. زیرا، رفتارها و مکان‌های نیمه عمومی و نیمه خصوصی هم وجود دارند. به علاوه این که چه چیزی را خصوصی یا عمومی تلقی کنیم از فرهنگی به فرهنگ دیگر و در درون هر فرهنگ طی زمان تفاوت دارد" (MadaniPour, 2003).

"مدنی پور در فصل هشتم از کتاب «فضاهای عمومی و خصوصی شهر»^۱ با یک نگاه ریشه‌ای، بنیادی‌ترین تفاوت میان فضاهای عمومی و خصوصی را تفاوت میان فضای درونی انسانی و فضای بیرونی جهان پیرامون می داند. وی در یک تحلیل، خصوصی‌ترین فضا را فضای درون بدن بر شمرده سپس اولین لایه که رفتار شخص، حرکات بدن و زبان در آن تبلور می شود را فضای شخصی می داند. وی به دنبال این مطلب خصوصی بودن فضا را عمدتاً به ملک خصوصی ارجاع داده و در یک تعریف کلی حوزه خصوصی را بخشی از زندگی شخص می داند که وی در محدوده‌های شخصی و به دور از دید و اطلاع مردم یا کنترل حکومت و مقامات رسمی، آن را کنترل می کند. تغییر عده‌ای از داشتن حریم شخصی این است که فرد حق دارد تنها و به حال خود باشد. بر اساس این تعبیر، فضای خصوصی بخشی از فضاست که فرد بر آن مالکیت و اختیار دارد و حق داشته از آن بهره‌انحصاری ببرد و دیگران را در آن راه ندهد" (مدنی پور، ۱۳۸۴: ۲۷-۲۶).

"از این رو در توصیف فضاهای عمومی می توان گفت که این فضاها، فضاهایی هستند چند منظوره و در دسترس عموم که هم از قلمروهای اختصاصی و مرزبندی شده خانواده‌ها و افراد متمایزند و هم میانجی آن‌ها محسوب می شوند. اصولاً این فضاها را در صورتی عمومی تلقی می کنند که تأمین و مدیریت آن‌ها برعهده مسئولان دولتی باشد، با مردم به صورت یک کل واحد ارتباط برقرار کنند، مردم آزادانه و به راحتی به آن‌ها دسترسی داشته باشند و یکایک اعضای جامعه بتوانند از آن‌ها بهره‌برند یا مشترکاً از آن‌ها استفاده کنند" (همان، ۲۹).

دیدگاه‌ها و نظریات متفکران درباره مفهوم فضای عمومی و قلمرو عمومی. خصوصی

وقتی از قلمرو عمومی سخن گفته می شود منظور مکان‌هایی است که برای استفاده مشترک عامه مرده است و توسط مسئولان عمومی یا دولتی اداره می شود.

از دید ولزر^۲ مکان عمومی فضایی است که در آن با غریبه‌ها سهیم هستیم، مردمی که اقوام، دوستان یا همکار ما نیستند. فضایی است برای سیاست، مذهب، داد و ستد و ورزش، فضایی برای همزیستی سلامت آمیز و برخوردارهای غیرشخصی (Walzer, 1996: 470).

"فضای عمومی به عنوان بستر مشترکی است برای انجام فعالیت‌های کارکردی و مراسمی که پیوند دهنده اعضای جامعه است. چه روز گذران معمولی باشد و چه جشنواره‌های دورهای، صفحه‌ای است که در آن نمایش زندگی جمعی در معرض دید قرار می گیرد" (Carr, 1992: 110).
"کرمونا نیز همچون لنگ عرصه عمومی را در دو بعد عرصه کابندی^۳ و عرصه فرهنگی - اجتماعی^۴ مورد بررسی قرار می دهد" (Carmona, 2003: 11).

"کاستوف^۵ علی رغم این که در تعاریف خود از قلمرو عمومی بیشتر فضاهای باز را مدنظر دارد، اما به دلیل تعریفی که از فعالیت‌های انجام شده در این فضاها می کند به نظری مشابه لنگ می رسد. شاید به صورت بنیادی، آیین‌های خاص خود ما در زمینه تعامل اجتماعی به آهستگی در درون یک رشته فضاهای اختصاصی شده عمومی که منحصر به زمان ماست، رفته‌اند که شامل آتریوم، پارک‌های موضوعی و مراکز خرید می گردد" (اهری، ۱۳۸۵: ۲۰۸ به نقل از Kostof, 1992: 82).

"دفتر معاونت نخست وزیر انگلیس (OPDM) فضای عمومی را بخش‌هایی از محیط طبیعی و ساخته شده مرتبط می داند که عموم به آن دسترسی آزاد دارند. فضای عمومی همه خیابان‌ها و میداين، به طور ویژه جایی که کاربری مسکونی و تجاری وجود دارد، پارک‌ها و فضاهای باز جایی که دسترسی عمومی محدود نیست (حداقل در ساعات روشنی از روز) را شامل می شود" (OPDM, 2004: 10).

به نظر می رسد تعاریف عموماً بر دسترسی بدون محدودیت به فضا و فعالیت‌های متنوع تأکید می کند که تعامل اجتماعی بارزترین آن است. "در توضیح این نکته لنگ می گوید: در مورد آنچه که قلمرو عمومی را تشکیل می دهد، مقداری ابهام وجود دارد. ولی، چنانچه به تحلیل مختصری از عناصر محاط کننده آن توجه شود، قلمرو عمومی را کف و سطوح ساختمان‌های احاطه کننده آن در بر می گیرد، برخی از این سطوح دیوارهای خارجی هستند که فضای عمومی و خصوصی را از هم جدا می کنند، اما سطوح دیگر، دیوارها و سقف‌هایی هستند که فضاهای داخلی را در خود جای می دهند. ابهام به دو دلیل ایجاد می شود:

۱- عناصر تعریف کننده قلمرو عمومی (به ویژه دیوارهای ساختمان‌ها) غالباً در مالکیت خصوصی هستند که مسائلی را در رابطه با مالکیت عمومی در برابر خصوصی مطرح می کند و ۲- بسیاری از فضاها، هم در داخل و هم در خارج ساختمان‌ها نیمه عمومی هستند" (Lang, 1994: 187-189).

لنگ در زمینه عملکردهای عرصه‌های عمومی کالبدی اشاره می کند که از نظر کلی عملکردهایی که توسط محیط مصنوع انجام می شود طی هزاران سال تغییر چندانی نکرده است. آنچه که تغییر کرده است چیزهایی است که استفاده کنندگان سیاست‌گذاران و طراحان آن‌ها را

۳- عدم شناسایی دقیق عوامل اجتماعی مؤثر در محتوا و فرم فضای شهری و ساز و کار آن‌ها.
 ۴- عدم کفایت تعریف موجود از محتوای فضای شهری " (همان: ۵۱).
 " کسانی که شهر و جامعه را مطالعه می‌کنند، از دیرباز به فضای عمومی توجه داشته‌اند. به تازگی در علوم اجتماعی و انسانی، علاقه به این موضوع رشد قابل توجهی داشته است. این امر تا حدودی به دلیل تحولات جاری در تحولات غربی است که در آن‌ها زوال عرصه عمومی مشاهده شده است. موج ساخت و ساز و بازسازی‌های شهر در دهه ۸۰ توجه جغرافیای تانن شهری، برنامهریزان و معماران را به نقش محوری فضای عمومی در مناطق شهری، جلب کرده است. دلیل دیگر توجه فزاینده به عرصه عمومی ظهور و یا تقلا برای برقراری دموکراسی‌های جدید در اروپای شرقی و دیگر مناطق جهان است" (مدنی پور، ۱۳۸۴: ۲۱۱).

از آغاز دهه ۶۰ قرن بیستم تاکنون مفهوم فضای شهری با رجعت به کامیالوسیتیه، گدس، مامفورد و سایر فرهنگ‌گرایان و طرفداران آمپش انسانی در شهر که در زنده نگه داشتن مفهوم و اثر فضای شهری خدمت بزرگی کرده بودند، متکی به این استنباط است که: فضای شهری چیزی از ساخت شهر است که از کلیت هماهنگ و بی‌پوسته برخوردار بوده و از جهت فیزیکی دارای بدنه‌های محصور کننده می‌باشد. این فضا باید واجد نظم و زیبایی بوده و برای فعالیت‌های شهری سازمان پیدا کند. از سوی دیگر فضای شهری بخشی از ارگانیکم زنده شهر است که با شرایط اجتماعی و اقتصادی و فنی در حال تغییر مرتبط است. محیطی اجتماعی دارد که در بردارنده مجموعه‌ای از روابط میان مرده است که به مبادله انرژی اطلاعات، کالا، مواد و شایعات و... دست می‌زنند. با همه ملاقات می‌کنند، گرد هم می‌آیند و اشکال مختلف انسجام اجتماعی را در فضا متبلور می‌سازند. بنابراین فضای شهری عنصر اساسی ساخت شهر است که با قلب و کانون راهبردهای اجتماعی مربوط می‌شود.^{۱۵}

عمده متون مربوط به فضای عمومی شهری و محضوی آن در بررسی‌های خود از ابعاد کالبدی و فعالیتی فضای شهری به سه منبع «زندگی اجتماعی در فضاهای شهری کوچک»^{۱۶} اثر ویلیام وایت^{۱۷} در ۱۹۸۰، «زندگی در بین ساختمان‌ها»^{۱۸} اثر بان گل^{۱۹} در ۱۹۸۷ و «مکان‌های مردمی: راهنمای طراحی فضای باز شهری»^{۲۰} اثر کلبر کوپر مارکوس^{۲۱} و کارولین فرانسس^{۲۲} در ۱۹۸۸ ارجاع می‌دهند. عا. کوس به بررسی انواع میداین شهری پرداخته، وایت بس از بررسی اجزا و عناصری همچون فضاهای نشستن و به دنبال آن عناصر محیطی همچون یاد، خورشید و... بحث مثلك بندی^{۲۳} در فضای شهری را مطرح

	کیفیت محیط کالبدی	
	مصرف	فرم
فضاهای شهری	●	●
فضاهای اجتماعی	*	●
فضاهای طبیعی (فضاهای اجتماعی)	●	●

تصویر ۱ - فعالیت‌های سه‌گانه گول و میزان آن در محیط‌های قوی و ضعیف.

مخدا، Larice (2007: 365)

مهم می‌دانند.^{۲۴}

نکته مهم که باید به آن توجه داشت این است که بین عرصه خصوصی که حریه شخصی را در خود دارد تا عرصه عمومی که یک قلمرو مشترک است، سلسله مراتبی وجود دارد که عرصه‌های نیمه خصوصی و نیمه عمومی را در بر می‌گیرد.

"جرمایف^{۲۵} و الکساندر^{۲۶} به طور کلی سلسله مراتب فضاهای شهری یا عرصه‌های زندگی جمعی و زندگی خصوصی را در سلسله دسته زیر طبقه بندی می‌کنند:

- **فضاهای عمومی شهری:** جاها و تسهیلاتی که متعلق به عموم مردم است، مانند شاهراه‌ها، جاده‌ها، راه‌ها و پارک‌های شهری.
 - **فضاهای نیمه عمومی شهری:** فضاهایی خاص از شهر که مورد استفاده عموم قرار می‌گیرند ولی دولت یا مؤسسه‌ای بر آن‌ها نظارت می‌کند و سرپرستی آن‌ها را به عهده دارد. مانند بنای شهرداری‌ها، دادگاه‌ها، مدارس دولتی، دفاتر پست، بیمارستان‌ها، ایستگاه‌های مسافری، پارکینگ‌ها، گاراژها، استادبوم‌ها و تئاترها.

- **فضاهای عمومی خاص یک گروه:** جاهایی که در مرز عرصه خدمات و تسهیلات عمومی و خصوصی قرار گرفته‌اند و هر دو عرصه باید به آن دسترسی داشته باشند و در قبال آن مسئول هستند. مانند جاهایی که از خدمات پستی، آب و برق، آتش نشانی و... ساز آن استفاده می‌کنند.

- **فضاهای خصوصی خاص یک گروه:** انواع جاهایی کم‌اهمیت‌تر که تحت نظارت دستگاه اداره کننده‌ای باشند از جانب بخش دولتی یا بخش خصوصی برای مستأجرین حقیقی و یا حقوقی. مانند بان‌های عمومی، زمین‌های بازی، انبار و...
 - **فضاهای خصوصی خانواده:** فضاهایی در عرصه خصوصی که در اختیار یک خانواده واحد باشد مانند صرف غذا، تفریح و...
 - **فضاهای خصوصی فرد:** اتاق اختصاصی هر شخص یا هریک از اعضای خانواده" (جرمایف و الکساندر، ۱۳۷۶: ۱۵۷).

محتوا و کارکرد فضای عمومی شهری

"موضوع تولید، تقویت و توسعه فضای شهری مناسب، فعال، پویا و زنده به عنوان یکی از اهداف راهبردی ارتقای کیفیت محیط در محیط‌های مصنوع شهری، همواره در صدر کار برنامه‌ریزان و طراحان شهری قرار دارد. اهمیت این موضوع اساساً به جهت نقش مؤثری است که اینگونه فضاها در جامعه دارند و این مهم برها از سوی بسیاری از دست‌اندرکاران مسائل شهری، اجتماعی و روان‌شناسی مانند پاتریک گدس: ۱۹۱۵، گوردن کال: ۱۹۵۹، کوین لینچ: ۱۹۶۱، لونیس مامفورد: ۱۹۶۱ جین جیکویز: ۱۹۶۱، ادموند بیکن: ۱۹۷۳، اموس راپپورت: ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸، ادوارد کروپات: ۱۹۸۵، کارولین فرانسوا: ۱۹۸۸، دیوید هربرت: ۱۹۸۱ و ۱۹۹۱، جان موننگمری: ۱۹۸۸، ای-ین بتلی: ۱۹۹۹) مطرح شده است" (پارسی، ۱۳۸۱: ۴۲). اما تجربه نشان می‌دهد به رغم توجه اندیشمندان و تأکیدهای آنان، تلاش برای ایجاد، احیا و تقویت فضای شهری عموماً با موفقیت همراه نبوده و به نظر می‌رسد می‌توان به برخی دلایل آن چنین اشاره کرد:

۱- غلبه اصالت شکل در شناخت، تحلیل و طراحی فضای شهری.

۲- رشد یکسوگرانه گرایش‌های روان‌شناختی شهری و کم‌توجهی به بستر اجتماعی.

فرمی فضای عمومی مورد بررسی قرار گرفته است. "استفان کار" فضای عمومی را شامل خیابان، میدان، زمین‌های بازی، بازارها و فضاهای بازار اجتماعات محلی می‌داند که در سال‌های اخیر اشکال جدیدی به آن‌ها اضافه شده اند. این اشکال جدید عبارتند از فضاهای تجاری جدید، باغ‌های جوامع محلی، سبزه‌راه‌ها و نواحی حفاظت شده طبیعی (Cart, 1992: 85).

گرمون انواع فضاهای عمومی را در قالب فضاهای قابل دسترسی برای همه در سه گونه تقسیم بندی می‌کند:

• فضاهای عمومی، خارجی^{۲۷}: فضاهایی که در بین ساختمان‌های خصوصی قرار می‌گیرند، نظیر خیابان‌ها، میادین، پارک‌ها، بزرگراه‌ها و پارکینگ‌ها و همچنین فضاهای کناره رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و کناره سواحل.

• فضاهای عمومی داخلی^{۲۸}: مؤسسات عمومی شامل کتابخانه‌ها، موزه‌ها، تالارهای شهری و همچنین ساختمان‌های مربوط به حمل و نقل عمومی نظیر ایستگاه‌های قطار و اتوبوس و فرودگاه‌ها.

• شبه فضاهای عمومی^{۲۹}: داخلی و خارجی: پارهای از فضاهایی که به طور قانونی خصوصی هستند نظیر پردیس‌های دانشگاهی، زمین‌های ورزش، رستوران‌ها، سینماها و مراکز خرید را می‌توان به عنوان بخشی از عرضه عمومی تلقی کرد (Carmona, 2003: 111).

"هیئت موسوم به کارگروه شهری^{۳۰} با بر شمردن فضاهایی همچون خیابان‌ها، میادین و پارک‌ها به عنوان فضای عمومی به شبکه فضاهای عمومی اشاره می‌کند و چنین بیان می‌دارد که چنین شبکه‌ای دامنه انتخاب‌های مردم در زندگی روزمره شهری را گسترده می‌کنند. دید آن‌ها بهترین شهرهای فشرده و منظم چون یک الگوی ارتباطی مناسب از خیابان‌ها و فضاهای عمومی طراحی می‌شوند (Urban Task Force, 1999: 56). تصویر شماره ۳ شبکه فضای عمومی را در دو حالت مجزا

کرده و گل سه گونه فعالیت عمومی شهری را مورد بررسی قرار می‌دهد^{۳۱}. "بسیاری از نظریه پردازان شهرسازی معتقدند که فضاهای عمومی شهری بعنوان یکی از اجزای اصلی، نقش با اهمیتی در شهر سالم دارند. این عقیده فراتر از نقش کارکردی فضاهای عمومی است که معطوف به زمانی است که این فضاها، سرمایه اجتماعی را در زمانی که تعاملات اجتماعی زیادی را در این مکان‌ها به وقوع می‌پیوندد، افزایش می‌دهند. در مفاهیم نظری مرتبط، دامنه وسیعی از کارکردهای فضاهای عمومی نظیر نقش توسعه یکپارچگی اجتماعی در قالب فرصت سازی برای رویارویی افراد جامعه، تقویت کارکردهای سیاسی جامعه به واسطه ایجاد و تقویت انجمن‌های آزاد در یک دموکراسی اجتماعی، عرضه‌های جهت بروز نمایشات و جشن‌های فرهنگی، واسطه‌های که هویت‌های خصوصی و گروهی در آن توسعه می‌یابند و عرضه‌های جهت دسترسی عمومی و تمیزی از فضاهای خصوصی، مورد مباحثه و جدل قرار گرفته است. اهمیت فضاهای عمومی در مطالعات سیاست‌های شهروندی نیز تأکید شده است، ناجایی که آن را در جهت کلی شدن سیاست‌های شهری لازم و ضروری می‌دانند. فور معتقد است که هر جامعه‌ای در تاریخ خود فضای اجتماعی مشخصی را ایجاد کرده که در این فضاها به کلیه نیازهای متنوع جامعه - از تبادلات اقتصادی تا روابط اجتماعی - پاسخ داده می‌شود است" (Arefi, 2003: 331-332).

"فضای عمومی یک دنیای نهادی و عادی مشترک و فضای خانگی است که امکان حضور مشترک را فراهم کرده، روابط متقابل بین افراد را تنظیم می‌کند. یا حضور در مکانی که دیگران نیز در آن حضور دارند به تجربه مشترکی از جهان می‌رسیم و به این ترتیب با همه انسان‌هایی که در گذشته (یا بنده) چنین واقعیت فیزیکی را تجربه کرده‌اند (یا خواهند کرد) پیوند برقرار می‌کنیم. این بخش پیوند دهنده که دوره‌های مختلف تاریخی را به هم متصل می‌کند، فضای عمومی را از تبات و تناوم برخوردار می‌سازد. ما با حضور مشترک در نهادهایی خاص همچون این‌ها و مناسک، نمایش‌ها و اجراها، گفت و گوهای دسته جمعی و... هم می‌توانیم به تجربه مشترک دست یابیم" (مدنی پور، ۱۳۸۴: ۳۱).

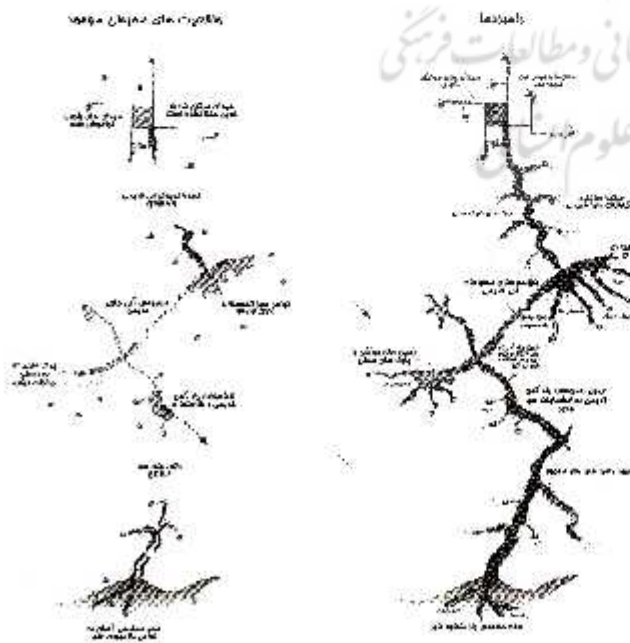
برای تبیین عناصر، عوامل و نیروهای شکل دهنده فضای شهری اولاً باید، به ریشه‌هایی توجه داشت که با اثر زندگی اجتماعی بر سازمان فضایی سر و کار دارد. ثانیاً فضای شهری باید بستر زندگی عمومی و اجتماعی مردم جامعه تلقی شود. ثالثاً محتوای اجتماعی این فضا که آن را بیش از پیش به عنوان پدیده‌های اجتماعی - کالبدی می‌نمایند، مورد بررسی عمیق قرار داد.

"فضای شهری محصول نیروهای تاریخی و اجتماعی - فرهنگی جامعه است و شخصیت آن بیش از عوامل تکنولوژیکی و یا جغرافیایی و فیزیکی ناشی از عناصر متغیر فضا شامل، نظام فعالیت‌ها و عناصر پایدارتر فضا و ظرفیت مندی جامعه شهری است که نیروهای اجتماعی و فرهنگی جامعه از طریق عواملی مانند نظام نهادها، فرهنگ و بوی شهرنشینی این عناصر را پدید آورده و به وساطت گروه‌های اجتماعی و فعالیت آن‌ها فضای شهری را شکل می‌دهد" (پارسی، ۱۳۸۱: ۴۷).

گونه شناسی فضاهای عمومی شهری

در مورد گونه شناسی عملکردی فضاهای عمومی میان صاحب نظران اتفاق نظر وجود ندارد و در عمده موارد، بیشتر گونه شناسی

بخش‌های مجزا و منبسط از فضاهای باز شهری



تصویر ۳ - شبکه ارتباطی فضاهای باز شهری، 56: 58 (Urban Task Force, 1999)

رَب کریر نیز در سال ۱۹۹۰ در کتاب فضای شهری خود، میدان‌ها را در سه دسته مربع، مثلث و دایره تقسیم کرد. این اشکال می‌تواند تغییر کنند یا تطبیق پیدا کنند همین طور می‌توانند با هم ترکیب شوند. می‌توانند دارای شکل منظم و غیر منظم باشند. " این میداين می‌توانند با تغییر زاویه و ابعادشان به فرمی دیگر درآیند. در کنار هم قرار گیرند یا تقسیم شوند یا همپوشانی داشته باشند. با دیوارها، راهروها یا رواق‌های محصور شوند یا می‌توانند باز باشند. تمامی بناها میداين را شکل می‌دهند و می‌توانند اشکال مختلفی داشته باشند. از شکلی صلب با دیوارهای خالی تا چندهای فعلی با نوعی از درها و پنجره‌ها که در اطراف آن جای گیرند" (Carmona, 2003: 70).

" در کنار میداين خیابان‌ها فضای سه بعدی خطی هستند که از دو طرف با بناها محصور شده‌اند. خیابان‌ها را باید با جلوه متفاوت دانست چون در خیابان ارجحیت با وسایل نقلیه نیست. پارامترهای دو وجهی بر کیفیت خیابان تأثیر گذار است. مثلا پویایی و ایستایی، باز یا بسته بودن، طولانی یا کوتاه بودن، پهن یا باریک بودن، مستقیم یا منحنی بودن، معماری رسمی یا غیررسمی دانستن در امتداد خیابان. به این پارامترها می‌توان ملاحظاتی از قبیل تناسبات، ریتم معماری و ارتباط با میدان‌ها و خیابان‌های اطراف را اضافه کرد. به لحاظ زیبایی‌شناسی طراحی موفق یک خیابان عموماً به تناسبات طول و عرض آن، نوع ساختاری که بیان می‌کنند و حد بصری که بناها یا سایر عناصر ارائه می‌دهند و باعث پذیرندگی چشم می‌شوند بستگی دارد" (همان، ۶۵).

لئون کریر^{۳۷} ۴ گونه فضاهای شهری را شناسایی کرده است. سه گونه از این فضاها سنتی و گونه چهارم یک فضای شهری مدرنیستی است. وی با چهار دیگرام به خوبی تفاوت فضای شهری مدرن و سنتی را عرضه می‌کند.

" گونه اول: بلوک‌های شهری نتیجه الگوی خیابان‌ها و میدان‌ها هستند. این الگوها قابل دسته‌بندی هستند.

گونه دوم: الگوی خیابان‌ها و میدان‌ها نتیجه موقعیت بلوک‌هاست. بلوک‌ها قابل دسته‌بندی در گونه‌های مختلف هستند.

گونه سوم: خیابان‌ها و میدان‌ها دارای گونه‌های فرعی دقیق هستند. این فضاهای عمومی قابل دسته‌بندی هستند.

گونه چهارم: ساختمان‌ها دارای گونه‌های فرعی دقیق هستند. در این حالت ساختمان‌ها به صورت اتفاقی در فضا قرار گرفته‌اند" (Carmona, 2003: 71).

در میان طراحان شهری ایران شاید به علت عدم نمود عینی این فضاها و همچنین عدم توجه ویژه به سنت طراحی شهری در ایران عمده تقسیم‌بندی‌های فضای عمومی شهری، شبیه خیلی از متخصصین غربی به عناصر پارزی همچون خیابان و میدان ختم می‌شود.

نمونه‌هایی نسبتاً منون از تقسیم‌بندی فضای عمومی را در کار پاکزاد^{۳۸} می‌توان مشاهده کرد.

" پاکزاد با بررسی فضاهای عمومی و خصوصی و فضای باز و بسته، سه شاخصه اصلی را برای تشخیص فضاهای شهری مطرح می‌کند: عمومی بودن فضا، باز بودن فضا و برقراری تعاملات اجتماعی.

با این وصف آن دسته از فضاهای شهری شامل فضاهایی سرپوشیده و عرصه‌های باز خصوصی مانند حیاط‌ها و فضاهای بین بلوک‌های ساختمانی از انواع فضاهای شهری حذف می‌شوند. یا دقیق‌تر شدن بر شاخص تعاملات اجتماعی فضاهایی نظیر پارک‌ها و باغ‌های عمومی نیز

و به هم پیوسته که مورد اخیر نوعی راهبرد یکپارچه شدن است نشان می‌دهد.

این گروه سپس جهت ایجاد یک عرصه عمومی با ارزش‌های نیاز به یک رویکرد و برنامه‌ریزی جامع در مورد فضاهای عمومی را مطرح کرده و دو توصیه اساسی می‌دهد:

۱ نهادهای مدیریت علمی نیاز به فراهم آوردن یک استراتژی دیدگاه برای عرصه عمومی و فضاهای باز داشته که با طرحی نگهداری، مدیریت و مسائل مالی سر و کار دارد.

۲ معرفی یک برنامه ملی جهت ایجاد مسیرهای سبز پیاده شهری اطراف یا درون شهرهای بزرگ و کوچک.^{۳۹}

با همه تفاوت دیدگاه‌هایی که در مورد فضاهای عمومی و فضاهای شهری وجود دارد، همه متخصصین بالاتفاق خیابان و میدان را به عنوان دو فضای عمومی شهری اصلی ذکر کرده‌اند. مارتین^{۴۰}، زوکر^{۴۱}، سیتة^{۴۲}، گریر^{۴۳} و مارکوس^{۴۴} در بررسی‌های خود از فضای شهری به دو عنصر اصلی و خیابان توجه کرده‌اند.

میدان در شکل‌ها و اندازه‌های متفاوتی ساخته می‌شوند. این نوع از فضا می‌تواند در قالب پلازاها، پیازها، سیرک‌ها و... متبلور شود. برای درک بهتر اشکال میداين نظرات سیتة، زوکر، تیپولوژی فضای شهری راب گریر و تقسیم‌بندی مارکوس قابل توجه می‌باشد. در جایی که کریر میدان را به لحاظ مورفولوژیکی طبقه‌بندی می‌کند، سیتة و زوکر بیشتر به ابعاد ریاضیاتی آن توجه می‌کنند. کامیلو سیتة در سال ۱۸۸۹ با رویکردی ریاضیاتی برای میداين شهری مجموعه‌ای از اصول هنری را ارائه می‌دهد که عبارتند از:

محسوریت: حس شهریت با محسوریت فضا حاصل می‌شود. بوده تعریف کننده فضا: هر بنا یا نماهایی که بازتاب توده است، فضا را تعریف می‌کند.

شکل: میدان باید در تناسب با بنای اصلی خود باشد. برحسب بنا میداين می‌تواند پهن یا عمیق باشد.

آثار تاریخی: مرکز میدان باید آزاد نگه داشته شود و آثار دور میدان دیده شوند (Carmona, 2003: 31).

زوکر در سال ۱۹۵۹ در کتاب «شهر و میدان»^{۴۵} خود در مورد میداين‌های مختلف بحث می‌کند و رابطه میان فضای باز میدان، بناهای اطراف و آسمان میدان را بیان می‌کند. این ارتباط تجربه حسی عالی را در مقایسه با سایر کارهای هنری منتقل می‌کند. این تجربه تعیین می‌کند که یک میدان تا چه اندازه یک کل یکپارچه را تشکیل می‌دهد. پنج گونه از این ارتباطات را بیان می‌کند که عبارتند از:

میدان‌های بسته: میدانی با محسوریت کامل است که محسوریتش تنها با خیابان‌های مربوط به آن مخدوش می‌شود
میدان‌های مسلمان: این میدان‌ها توسط حس مکان یک بنا تعریف می‌شوند.

میدان‌های بسته ای: این میدان‌ها فضایی هستند که اطراف یک نم در شکل می‌گیرند.

میدان‌های گروهی: این میدان‌ها از ترکیب چند میدان یا فضا تشکیل می‌شوند.

میدان‌های بی شکل: این میدان‌ها در هیچ یک از انواع بالا جای نمی‌گیرند، اما برخی خصوصیات آن‌ها را ممکن است داشته باشند (Zucker, 1959: 80).

در دسته فضاهای شهری نمی‌گنجد. وی با محدود کردن مفهوم فضای شهری آن را در ۵ دسته زیر تقسیم می‌کند:

- ۱- ورودی ۲- میدان ۳- مسیر ۴- ساخل و کناره ۵- پله (یاکزاد، ۱۳۸۴: ۵۰).

این در حالی است که مطابق آنچه مطرح شد، عمده متخصصین شمار فضاهای شهری یا فضاهای عمومی شهری را محدود نکرده و حتی آن را در دامنه گسترده‌تری مورد بررسی قرار داده‌اند. در پاره‌ای از متون اخیر با بررسی فضای باز عمومی شهری مهم‌ترین فضاهای شهری در قرن ۲۱ را پارک‌ها می‌دانند.^{۲۹}

تحلیل و تطبیق

آنچه در نهایت بدست می‌آید ذکر این مطلب است که فضاهای

عمومی شهری یک محصول نیست که براساس روش‌های تجویزی بدست آید. فضای عمومی شهری در پی یک فرآیند ایجاد می‌شود. فرآیندی که مقدمه و سرفصل آن شناخت فضایی است که قرار است در بستر شهر مطرح شود. با توجه به مطالب ذکر شده، در این بخش دیدگاه صاحب‌نظران در مورد انواع فضاهای عمومی در جدولی دسته بندی می‌شود. همانطور که در جدول مشاهده می‌شود "کار" یا دسته بندی فضا به صورت خیابان، میدان، زمین بازی و... به کارکرد فضا اشاره دارد و راب کریبر با عنوان کردن فضای عمومی به ۳ صورت مثلث، مربع و دایره بر فرم فضا تأکید دارد. همچنین آنچه که فرم و کارکرد فضا با آن خود را اظهار می‌دارد مولفه معنایی فضا است که در فضاهای عمومی سبسته که بر آثار تاریخی تأکید دارد مشهود می‌باشد. به این ترتیب نظر دیگر متخصصین نیز در این دسته بندی قرار گرفته و جدول زیر حاصل آمده

جدول شماره ۱ - انواع دسته بندی فضاهای عمومی بر اساس دیدگاه متخصصین

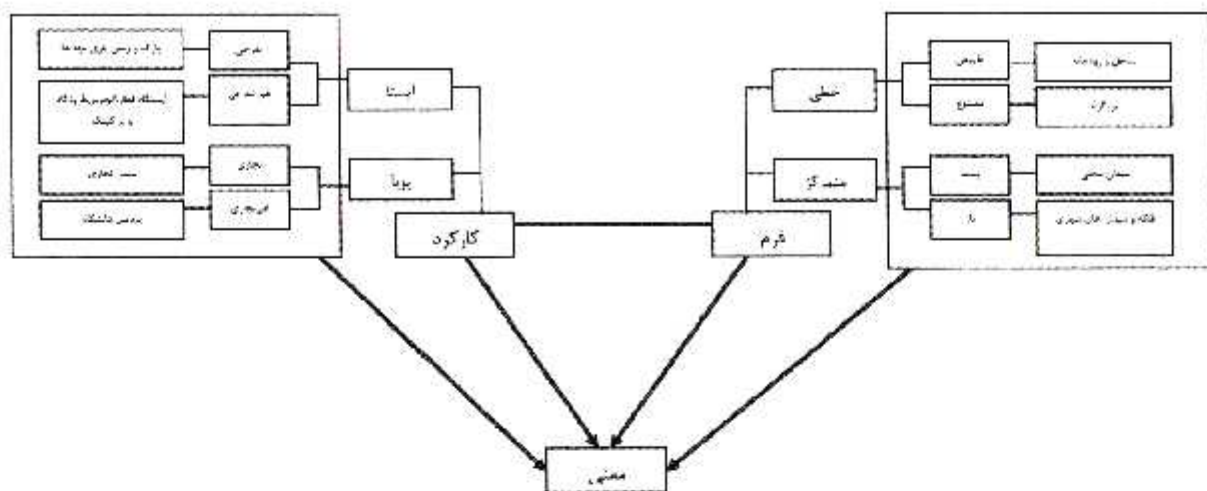
نام صاحب‌نظر	فضاهای عمومی	نوع تقسیم بندی فضا
کارر کارمونا جرمایف و انگلساندن لنگ والدر UTF	خیابان، میدان، زمین های بازی، فضای باز اجتماعات محلی... عمومی داخلی، عمومی خارجی، شبه فضاهای عمومی داخلی و خارجی عمومی شهری، نیمه عمومی شهری، عمومی خاص یک گروه عرصه فرهنگی اجتماعی فضایی برای سیاست‌هذیب، دادوستد، ورزش... شبکه فضاهای عمومی: میدان محلی، میدان مرکزی، خیابان، پارک...	کارکردی
کارمونا زوکو راب کریبر لئون کریبر لنگ سبسته	عمومی داخلی، عمومی خارجی، شبه فضاهای عمومی داخلی و خارجی میدان بسته، میدان مسلط، میدان هسته ای، میدان گروهی، میدان بی شکل مثلث، دایره، مربع ۳ گونه فضای شهری سنتی، ۱ گونه فضای شهری مدرن (بر اساس موقعیت بلوک، میدان، خیابان نسبت به هم) عرصه عملکردی محسوسات، آثار تاریخی، توده، شکل	فرمی
*	۲ معیار ذکر شده در سطرهای بالایی را شامل می‌شود. یعنی تقسیم بندیهای بالا معنا رانیز به همراه دارند.	معنایی

باز و بسته تقسیم می‌شود. در این مورد باز به معنای نفاذی با محصوریت و حضورپذیری کم و بسته به معنای محصوریت و حضورپذیری زیاد می‌باشد. در مولفه کارکرد نیز به دو ویژگی ایستا و پویا اشاره شده است که هر یک از آنها نیز به گروه‌هایی تقسیم شده اند. فضای ایستا به معنای فضایی برای ماندن و توقف است که این ایستادن خود به دو دلیل تفریحی و غیر تفریحی می‌تواند باشد. فضای پویا نیز فضاهایی برای عبور و حرکت می‌باشند که به دو هدف تجاری و غیر تجاری صورت می‌گیرند. برای هر یک از این موارد مثالهایی در نمودار شماره ۱ ذکر شده است که هر یک فضایی عمومی با ویژگیهای برشمرده شده را نشان می‌دهد. می‌توان با صراحت بیان داشت آنچه مهم است روند تولید فضای شهری است، روندی که فضای مطلق و نسبی و فضای فیزیکی و اجتماعی و فضای ذهنی و عینی را طی یک فرآیند با هم ترکیب می‌کند. یکی از مراحل مهم این روند شناخت مفاهیمی است که در ارتباط با فضای شهری مطرح می‌شود. به نوعی می‌توان گفت بحث‌های ماهیتی "محتوی و کارکرد" در باب شناخت فضای شهری از مقدمات ورود به این روند است که در این مقاله به آن اشاره گردید.

در ادامه به منظور عینیت بخشیدن به این نمودار الگویی، یک نمونه

است. پس از بیان اینکه این اشخاص بر اساس سه مولفه کارکرد، فرم، معنا فضاهای عمومی را تقسیم بندی کرده اند، نموداری از نوع تقسیم بندی فضاهای عمومی شهری ارائه شده است که می‌توان از آن در شناسایی فضاهای عمومی موردی بهره برد.

در اینجا نموداری برای فضاهای عمومی شهری ارائه می‌شود که رکوس آن سه مولفه کارکرد، فرم و معنا می‌باشند. یعنی می‌توان فضاهای عمومی شهری را بر اساس فرم یا عملکرد تقسیم بندی نمود و آنچه در این دو مشترک می‌باشد معنای فضا است. هیچکدام از دو مولفه فرم و کارکرد بی "معنا" قابل شناسایی و تحلیل نمی‌باشند. باید خاطر نشان شد هر فضای عمومی شهری شامل هر سه می‌باشد و آنچه در هر فضا غالب است به عنوان معیار دسته بندی آن مطرح می‌شود. در توضیح ۲ مولفه کارکرد و فرم باید شاخصه های دیگری را عنوان نمود که مسیر دستیابی ما به فضاهای عینی می‌باشند. فرم، به ۲ صورت خطی و متمرکز دسته بندی می‌شود که فرمهای کشیده مستقیم، کشیده مارپیچ و دیگر فرم های طولیل و عمود را شامل می‌شود که خود به دو گروه طبیعی و مصنوع قابل دسته بندی است. متمرکز نیز به معنای نقطه ها در فضا مانند گره ها، گشایشها، کانون ها می‌شود که این مورد نیز به دو دسته



نمودار شماره ۱ - گونه‌شناسی و دسته‌بندی فضاهای عمومی شهری

می‌باشند که به دلیل نداشتن کارکردی ویژه فرم آن عامل غالب برای دسته‌بندی آن می‌باشد. همچنین چون در گروه مسیرها قرار دارند خطی بودن و مصنوع بودن آن نیز امری بدیهی است. بنابراین در نقشه یاد شده، این فضا در دسته فرمی، خطی و مصنوع قرار دارد.

فضای مجاور مسجد از فضاهای عمومی است که افراد در ساعات مختلف شبانه روز در آن حضور دارند و به دلیل مذهبی بودن عملکرد آن احساس امنیت و آرامش می‌کنند. بنابراین آنچه موجب قرارگیری این فضا در رده فضاهای عمومی شهری است، عملکرد آن می‌باشد. همچنین حضور افراد در این فضا حضوری مانا و ایستا است نه گذری و عبوری که آن را در رده فضاهای غیر تفریحی ایستا قرار می‌دهد. با توجه به این مطالب در نقشه یاد شده، این فضا در دسته کارکردی، ایستا و غیر تفریحی قرار دارد.

پارک مجاور میدان از گل فضایی تفریحی است که عملکرد آن شاخصه عمومی بودن آن می‌باشد. این فضا مانند خیابان تجاری فضایی سرشار از تجمع و حضورپذیری است با این تفاوت که حضور افراد در آن مانا است نه عبوری، که همین امر آن را در رده فضاهای عمومی ایستا قرار می‌دهد. بنابراین در نقشه یاد شده، این فضا در دسته کارکردی، ایستا و تفریحی قرار دارد.

در نهایت باید به این نکته توجه داشت که در بررسی تمامی فضاهای نام برده شده آنچه در شکل‌گیری و ماندگاری فضا نقش داشته معنای آن فضاست. مذهبی بودن، حضورپذیر بودن، خودمانی بودن، خوانا بودن، دنج و آرام بودن، همگی ویژگیهایی بود که در تحلیل فضاها از آنها نام برده شد.

موردی مطرح شده است تا فضاهای عمومی در آن ساسایی و غالب بودن یکی از مولفه‌های نمودار در آن بررسی شود.

مطالعات موردی و یافته‌ها

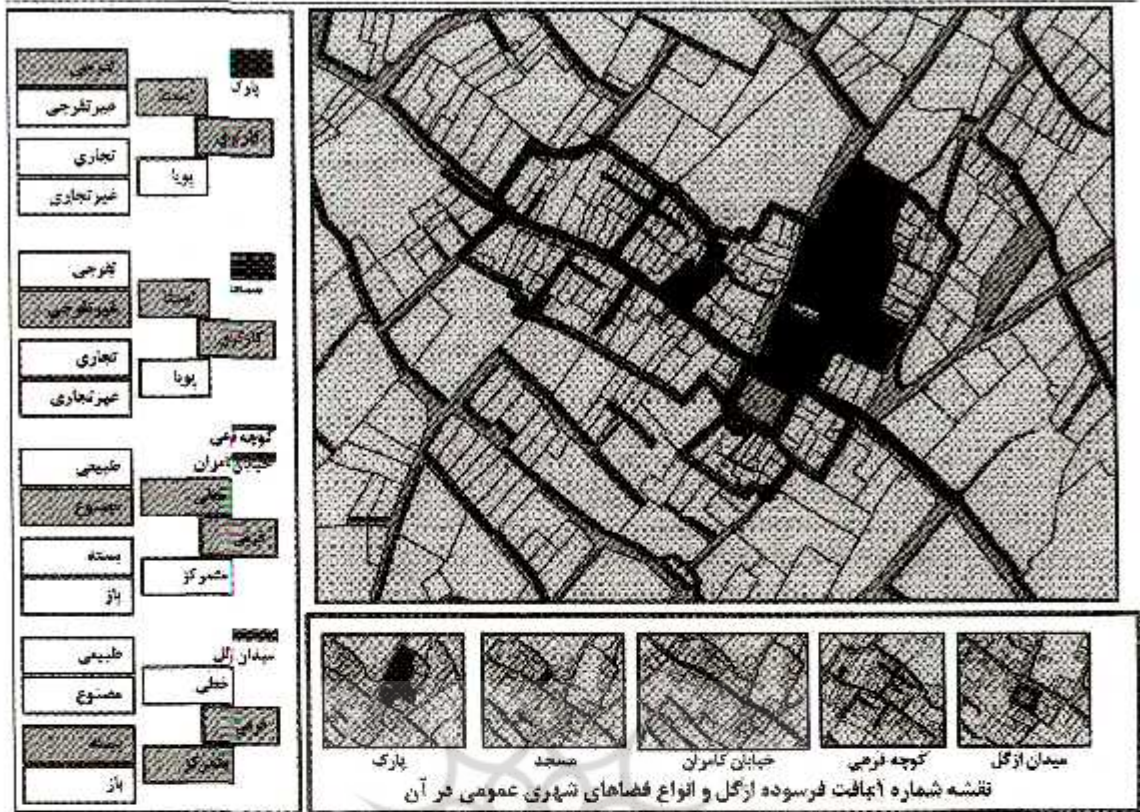
از جمله بخشهایی از شهر که نیاز به شناخت دقیق‌تر دارند تا اقدامات اثرگذار در آنها صورت گیرد، بافت‌های فرسوده و مسئله دار شهری است. در داخل بافت‌های فرسوده نیز، فضاهای عمومی شهری یکی از موثرترین عوامل شناسایی، تحلیل و تقویت در جهت بازآفرینی این بافت‌ها می‌باشند. در این مرحله، محله ازگل از بافت فرسوده تهران جهت گونه‌شناسی فضاهای عمومی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. این ترتیب که پس از شناسایی فضاهای عمومی بر اساس ویژگی‌های نمودار ارائه شده الگو، نوع فضا و بعد شاخص آن در نقشه شماره ۶ مشخص می‌گردد:

بافت فرسوده ازگل در واقع هسته قدیمی ازگل است که در اطراف میدان ازگل قرار دارد. عرض کم معابر، قطعات کوچک و ابنیه کم دوام و کاهش نقش مرکزیت آن از عمده‌ترین مسائلی است. بافت ایستا، محلی ازگل، خیابان کامران، کوچه‌های محلی، مسجد ازگل، پارک مجاور میدان ازگل از فضاهای عمومی شهری شاخص در این بافت می‌باشند که هر یک از این فضاها بنا به ویژگی‌هایی که نمودار الگویی ارائه شده ذکر گردید در دسته فضاهای عمومی شهری قرار می‌گیرند. هر یک از این فضاها به این صورت تحلیل می‌شوند:

میدان محلی ازگل، به این دلیل که گشایشی فضایی در امتداد یک مسیر می‌باشد فرمی شاخص داشته و در رده فضاهای عمومی شهری متمرکز قرار می‌گیرد. همچنین این مکان میدانی در بافتی محلی می‌باشد که در برابر میدانهای شهری فضایی محصور و بسته است. بنابراین در نقشه یاد شده، این فضا در دسته فرمی، متمرکز و بسته قرار دارد.

خیابان کامران، مسیری است با تمرکز کاربریهای تجاری که اکثر عابثتج روزانه مردم در آن تامین می‌شود. بنابراین کارکرد این فضا آن را شاخص نموده است و چون مسیری تجاری با حضورپذیری زیاد می‌باشد، جزء فضاهای کارکردی پویاست. با توجه به این مطالب در نقشه یاد شده، این فضا در دسته کارکردی، پویا و تجاری قرار دارد.

کوچه‌های محلی، مسیرهایی خودمانی با حضور ساکنین محله در آن



مؤخره

همانطور که در متن گفتار آمده است بر سر شمار، مصداقی و موضوعی عرصه های همگانی، بین صاحب نظران تنوع دیدگاهی وجود دارد. برخی آنها را در حد میدان و خیابان خلاصه می کنند و برخی نیز تاحیاط مجموعه های مسکونی نیز تعمیم می دهند. در گونه بندی هر یک از عرصه های همگانی نیز تنوع وجود دارد. برخی با نگاه فرعی، برخی با نگاه عملکردی و برخی نیز در همایش معنایی به گونه بندی پرداخته اند. معینا، در غالب نخله های شهرسازانه فرم مکان های فضاهای همگانی عامل تعیین کننده در شناخت و گونه شناختی آنهاست. گفتار یاد شده تلاش کرده است با پذیرش تنوع دیدگاه، شیوه ای یکپارچه و همگرایانه برای سنجش گونه های عرصه های همگانی را مطرح نماید. برای تبیین

پی نوشتها:

این شیوه همگرایانه محله ازگل تهران به عنوان میدان مطالعات موردی بررسی شده که خلاصه ای از یافته های مطالعات در بخش پنجم این مطالعات آمده است. بر مبنای این یافته، می توان بر محوریت مفهوم "معنا" تنوعی از رویکردها، به ویژه رویکردهایی که فرم و عملکرد را زمینه درک "معنا" می دانند را برای سنجش گونه شناختی فضاهای همگانی به کار گرفت.

معینا، این نوشتار مقدمه ای برای تلاقی نسبت به فهم جاری نسبت به مفهوم مکان همگانی به طور خاص، مکان به طور عام است. چرا که از نظر این نویسندگان چنانچه یک تعریف واحد، یکپارچه و همه شمول از مفهوم مکان بدست آید می توان در گونه شناسی و گونه بندی مکان نیز روش و شیوه ای نسبتا واحد اتخاذ نمود.

- 1) Public Realm
- 2) Urban Space
- 3) Public Place
- 4) Semi-Public
- 5) Semi - Private
- 6) Public and Private Spaces
- 7) Walzer
- 8) Physical Public Realm
- 9) Socio-Cultural Public Realm
- 10) Kostof

11) Office of Deputy Prime Minister

(۱۲) جهت اطلاعات بیشتر راجع به نظریات جان لنگ در عرصه عمومی به دو منبع اصلی زیر رجوع کنید:

-Lang, Jon (2005); Urban Design: A Typology of Procedures and Products Architectural Press, Oxford, PP6-22

-Lang, Jon (1994); Urban Design: The American Experience. New York, Van Nostrand Reinhold

13) Chermayeff

14) Alexander

(۱۵) برای اطلاعات بیشتر ر.ک.ب.ه: پاریس، حمدرضا (۱۳۸۱) شناخت محتوای فضای شهری، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۱۱، صص ۴۷-۴۱

16) The Social Life of Small Urban Spaces.

17) William H. Whyte.

18) Life Between Buildings.

19) Jon Gehl.

20) People Places: Design Guidelines for Urban Open Spaces.

21) Clare Cooper Marcus.

22) Carolyn Francis.

23) Triangulation.

(۲۴) برای اطلاعات بیشتر ر.ک.ب.ه: Larice, Michel (2007) The Urban Design Reader. Routledge, New York, PP348-375

25) Carr

26) External Public Spaces.

27) Internal Public Spaces

28) Quasi-public Spaces

29) Urban Task Force

(۳۰) برای اطلاعات بیشتر ر.ک.ب.ه: Urban Task Force (1999) Towards an Urban Renaissance, PP 56-59

31) Moughtin

32) Zucker

33) Sille

34) Krier

35) Clare Cooper Marcus

36) Town and Square

37) Leon Krier



(۳۸) پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۴) راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران - وزارت مسکن و شهرسازی تهران.

(۳۹) برای اطلاعات بیشتر ر.ک.ب.ه:

Thompsons Catharine. W (2002) Urban Open Space in The 21 st Century, Landscape and planning (60) 59-72.

Elsevier

رتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع:

بیکن، ادموند (۱۳۷۶). طراحی شهرها. ترجمه: فراتنه طاهری، انتشارات مرکز تحقیقات و مطالعات شهرسازی و معماری ایران - چاپ اول، تهران.

پاریس، حمدرضا (۱۳۸۱). شناخت محتوای فضای شهری. فصلنامه هنرهای زیبا. شماره ۱۱، ۴۷-۴۱.

پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۴). تأملی بر مفهوم شهر در ایران، اندیشه ایران‌شهر، شماره ۶ زمستان، تهران.

پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۴). راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.

پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۶). نظام فضایی در شهرها از دیدگاه طراحی شهری، جزوه درس مبنای طراحی شهری دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۸). مبانی بهسازی و توسعه بافت قدیم شهرها، انتشارات پیام، تهران.

توسلی، محمود (۱۳۷۱). طراحی فضای شهری جلد ۱، مرکز تحقیقات و مطالعات شهرسازی و معماری، تهران.

تیباندز، فرانسیس (۱۳۸۵). شهرهای انسان محور، ترجمه حسنعلی نقایی و فیروزه جدلی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

سینت، کامیو (۱۳۸۵). ساخت شهر بر اساس مبانی هنری، ترجمه: فریدون قریب، دانشگاه تهران، تهران.

گروتو، یورگ (۱۳۷۵). زیبایی‌شناسی در معماری، ترجمه: دکتر جهان‌شاه پاکزاد و مهندس عبدالرضا همایون، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

گیدپون، زیگفرید (۱۳۸۱). فضا، زمان، معماری، ترجمه: دکتر منوچهر مزینی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم، تهران.

مدنی پور، علی (۱۳۷۹). طراحی فضای شهری، نگرشی بر فرآیندی اجتماعی، مکانی - ترجمه فرهاد مرنضایی، شرکت پدافش و برنامه ریزی شهری.

تهران.

مثنی پور، علی (۱۳۸۷)، فضاهای عمومی و خصوصی شهر، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران.
 هابرماس، یورگن (۱۳۸۶)، دگرگونی ساختاری حوزه عمومی: کاوشی در باب جامعه بورژوازی. ترجمه: جمال محمدی، نشر افکار، تهران.

- Aref, M. (2003), "Revisiting the Los Angeles Neighborhood Initiative (LANI): Lessons for Planners". *Journal of planning education and research*, vol.22 iss.4 p:384.
- Carmona, M; Heath, T; Oc, T and Tiesdell, S (2003), "Public Places-Urban Spaces: the dimensions of urban design". Oxford, Architectural Press.
- Carr, S (1992), "Public Space". Cambridge University Press, Cambridge.
- Kostof, S. (1992), "The City Assembled: Elements of Urban Form Through History: Little". Brown & Company, Boston.
- Lang, J. (2005), "Urban Design: A Typology of Procedures and Products". Architectural Press, Oxford, :6-22.
- Lang, J. (1994), "Urban Design: The American Experience". Uan Nastrand Reinhold, New York.
- Larice, M. and Macdonald, E. (2007), "The Urban Design Reader". Routledge. New York. P :348 375.
- Pourjafar, M.R. (1986), "Urban Space And Activity, Morphology Of Indigenous And Contemporary Urban Spaces". U.D. Department SPA, Delhi.
- Pourjafar, M.R & Adabkhah, M. (2004), "Morphology of Indigenous and Contemporary Urban Spaces". Proceedings of the 3rd Great Asian Street Symposium, A Public Forum of Asian Urban Design, National University of Singapore, Singapore.
- Urban Task Force (1999) Towards an Urban Renaissance.:56-59.
- Walzer, N. (Ed.) (1996), "Community Strategic Visioning programs". CT: Praeger Publishers, Westport.
- Zucker, P. (1959), "Town And Square, From The Agora To The Village Green". Columbia University Press, Columbia.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی